

شیعه‌شناسی - ۴

ابراهیم منہاج (دستی)

خلافت و امامت در نوح البلاغه

چاپ دوم

با اضافات و توضیحات بیشتر

نگار

نشر نگاه معاصر

فهرست

- مقدمه چاپ دوم ۱۳
- مقدمه چاپ اول ۱۹
۱. خطبه ۲۳۶ ۴۵
 درباره نحوه هجرت خود به مدینه
۲. خطبه ۲۲۶ ۴۷
 درباره غسل حضرت رسول (ص)
۳. خطبه ۵ ۴۹
 زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله قبض روح شده بود و عباس بن عبدالمطلب و ابوسفیان با او صحبت کرده بودند که برای خلافت با او بیعت کنند
۴. خطبه ۶۶ ۵۸
 درباره سقیفه
۵. خطبه ۱۹۳ ۶۳
 روز دفن حضرت فاطمه (س) خطاب به حضرت رسول (ص)
۶. خطبه ۱۳۴ ۶۸
 در جواب مشورت عمر بن خطاب که خود نیز در جنگ با روم شرکت کند
۷. خطبه ۱۴۶ ۶۹
 در جواب مشورت عمر بن خطاب که خود نیز در جنگ با ایران شرکت کند
۸. خطبه ۲۱۹ ۷۲
 لله بلاء فلان

۹. خطبة ۱۳۹ ۸۰
خطاب به شورای شش نفره
۱۰. خطبة ۷۳ ۸۱
خطاب به شورای شش نفره وقتی که از او خواستند با عثمان بیعت کند
۱۱. بخشی از خطبة ۱۷۱ ۸۵
در جواب کسی که به او گفته بود «تو به خلافت حریصی»
۱۲. خطبة ۷۶ ۸۷
وقتی که سعید بن عاص مال اندکی از بیت‌المال برای او فرستاد
۱۳. خطبة ۱۳۵ ۸۸
خطاب به مغیره بن احنس
۱۴. خطبة ۱۳۰ ۹۰
خطاب به ابوذر وقتی که عثمان او را به ربنده تبعید کرد
۱۵. خطبة ۱۶۳ ۹۲
خطاب به عثمان وقتی که مردم او را به سوی عثمان فرستاده بودند
۱۶. خطبة ۲۳۵ ۱۰۰
خطاب به عبدالله بن عباس وقتی که پیام عثمان را به او رساند
۱۷. خطبة ۹۱ ۱۰۱
خطاب به مردم وقتی که بعد از قتل عثمان آمدند با او بیعت کنند
۱۸. خطبة ۱۶ ۱۱۳
در روزهای اول خلافت خود که به تحولات و دگرگونی‌ها اشاره می‌کند
۱۹. خطبة ۱۵ ۱۱۹
خطاب به کسانی که با رد قطایع عثمان به بیت‌المال مخالف بودند
۲۰. خطبة ۱۲۶ ۱۲۰
خطاب به کسانی که با مساوی تقسیم نمودن بیت‌المال مخالف بودند
۲۱. خطبة ۲۱۵ ۱۲۳
بیزاری از ظلم، رد خواهش عقیل و هدیه شخصی دیگر
۲۲. خطبة ۱۹۶ ۱۲۸
خطاب به طلحه و زبیر در جواب انتقادات آنها
۲۳. خطبة ۱۶۷ ۱۳۴
جواب کسانی که تقاضای مجازات آشوبگران علیه عثمان را داشتند

۲۴. خطبة ۶ ۱۳۸
درباره تعقیب طلحه و زبیر و مظلومیت خود از زمان وفات حضرت رسول (ص)
۲۵. خطبة ۳۳ ۱۴۰
درباره ارزش خلافت از دیدگاه امام (ع)
۲۶. خطبة ۳۷ ۱۴۴
درباره عوامل تقدم او بر صحابه یا عوامل روی کرد مردم به او بعد از قتل عثمان، و دلیل عدم اقدام برای خلافت
۲۷. بخشی از خطبة ۱۵۲ ۱۵۲
رسیدن به حق بعد از انتظار و نقش امامان در جامعه
۲۸. خطبة ۱۵۳ ۱۵۵
درباره اینکه راه نجات در واگذاری امور به اهل بیت (ع) است
۲۹. بخشی از خطبة ۱۰۸ ۱۵۸
درباره فضایل اهل بیت
۳۰. بخشی از خطبة ۲۶ ۱۵۸
درباره علت عدم اقدام برای به دست آوردن خلافت
۳۱. بخشی از خطبة ۱۴۴ ۱۶۱
راسخان در علم اهل بیت‌اند و امامان از بنی‌هاشم
۳۲. بخشی از خطبة ۲۰۸ ۱۶۴
درباره تظلم از قریش که حق او را ضایع کرده‌اند و دلیل عدم اقدام برای خلافت
۳۳. خطبة ۱۸۸ ۱۷۷
روابط خاص خود با حضرت رسول (ص) و سابقه خود در ایمان و حق خود در خلافت و پاسخ به تبلیغات سوء فتنه‌گران
۳۴. خطبة ۱۶۱ ۱۸۱
جواب سؤال اسدی که چرا قوم شما، شما را از خلافت کنار زدند
۳۵. خطبة ۲۳۹ ۱۹۰
درباره فضیلت و تقدم اهل بیت (ع)
۳۶. خطبة ۱۳۱ ۱۹۴
درباره هدف خود از خلافت، اشاره به سوابق خود در اسلام، شرایط امام و خلیفه صالح و مفاسد خلیفه غیر صالح
۳۷. خطبة ۱۷۲ ۱۹۸
چه کسی شایسته خلافت است و امام با رأی چه کسانی انتخاب می‌شود؟

۳۸. نامه ۶ ۲۰۸
به معاویه، درباره روش انتخاب امام و قتال با مخالفین امام
۳۹. نامه ۷ ۲۱۲
به معاویه درباره روش انتخاب خلیفه
۴۰. نامه ۹ ۲۱۵
به معاویه درباره دلیل تقدم اهل بیت و خود او و اظهار تأسف از شرایط خود
۴۱. نامه ۱۷ ۲۲۰
به معاویه که شام را به تو نخواهم داد و بنی امیه قابل قیاس با بنی هاشم نیستند
۴۲. نامه ۲۸ ۲۲۳
به معاویه، جامع ترین و صریح ترین سخن امام^(ع) درباره مسائل مورد اختلاف بین او و معاویه و بنی امیه و بنی هاشم
۴۳. نامه ۶۲ ۲۴۱
به اهل مصر با مالک اشتر، دلیل خودداری از بیعت با ابوبکر و بعد بیعت با او، انگیزه خود برای خلافت و رد صلاحیت بنی امیه
۴۴. نامه ۳۶ ۲۴۶
جواب نامه عقیل و گله از قریش که برای مخالفت با او متحد شده اند
۴۵. خطبه ۱۱۹ ۲۴۹
درباره فضیلت خود و اهل بیت^(ع)
۴۶. خطبه ۲۳۱ ۲۵۱
درباره ایمان ثابت و ایمان غیر ثابت، ادامه هجرت به همان معنی اول، «ان امرنا صعب مستصعب» «سلونی قبل ان تفقدونی» و هشدار به دوستان درباره فتنه های بعد از خود
۴۷. خطبه ۹۹ ۲۵۶
حضرت رسول^(ص) پرچمی برای هدایت امت باقی گذاشتند، این پرچم به دست چه کسی است؟ اشاره به وفات خود و بدون رهبر ماندن امت، لزوم انتظار و پیروی از زمامدار صالح و نقش آل محمد^(ص) در رهبری و هدایت جامعه
۴۸. بخشی از خطبه ۲ ۲۶۱
بیان فضایل اهل بیت و رد معارضین آنها
۴۹. خطبه ۳ (ششقیه) ۲۷۶
در مقام اعتراض به خلفای سابق و اعضای شوری و اشاره به انگیزه آشوبگران و هدف خود از خلافت

۵۰. خطبه ۸۶ ۳۱۸
در توصیف محبوب ترین بنده خدا، روش کار، اعمال و حالات او و نقش او در هدایت جامعه، روش کار، اعمال و حالات عالم فاسق و نقش او در فساد جامعه، تأکید بر پیروی از عترت و اشاره به تسلط بنی امیه و انقراض آنها
۵۱. خطبه ۲۰۷ ۳۳۵
مبانی حقوق سیاسی در اسلام و نکات مهمی از روش سیاسی امام^(ع)
۵۲. خطبه ۱۱۷ ۳۵۲
تقدیر از دوستان و اظهار اولویت خود به خلافت
۵۳. بخشی از خطبه ۲۳۴ ۳۵۴
اهمیت حفظ وحدت، هشدار به خطرات بی توجهی به اسلام، سوابق خود در جهاد، روابط خاص خود با پیامبر^(ص) و معجزه انتقال دادن درخت
۵۴. خطبه ۲۲۴ ۳۷۱
درباره قدرت بیان یا عجز از آن
۵۵. خطبه ۴۱ ۳۷۳
نهی از غدر و استفاده از راه غیر مشروع برای هدف مشروع
۵۶. خطبه ۱۹۱ ۳۷۵
معاویه از من زیرک تر نیست بلکه او غدار است
۵۷. خطبه ۱۷۴ ۴۰۷
درباره اطلاع از خصوصیات اشخاص
۵۸. خطبه ۱۵۸ ۴۱۱
یادآوری خدمات خود
۵۹. خطبه ۵۶ ۴۱۲
پیشگویی و ادار کردن مردم به سب خود
۶۰. نامه ۲۴ ۴۱۴
وصیت درباره املاک خود
۶۱. خطبه ۶۱ ۴۱۷
وقتی درباره ترور به او هشدار داده شد
۶۲. خطبه ۶۹ ۴۱۸
درباره خوابی که قبل از شهادت دیده بود
۶۳. خطبه ۱۴۹ ۴۱۹
بعد از ضربت ابن ملجم، درباره مخفی بودن زمان مرگ و وصیت به چند امر و موعظه

۴۲۳.....	۶۴. نامه ۲۳.....
	وصیت بعد از ضربت ابن ملجم
۴۲۵.....	۶۵. نامه ۴۷.....
	وصیت به امام حسن و حسین ^(ع) بعد از ضربت ابن ملجم
۴۳۱.....	۶۶. حکمت ۲۱.....
	اشاره به حق خود و اهل بیت در خلافت
۴۳۱.....	۶۷. حکمت ۳۶.....
	نهی از تعظیم توأم با تکلف
۴۳۲.....	۶۸. حکمت ۴۲.....
	محبت به امام علیه السلام دلیل ایمان است و دشمنی با او دلیل نفاق
۴۳۲.....	۶۹. حکمت ۷۰.....
	در باره اولین وظیفه هر امام
۴۳۳.....	۷۰. حکمت ۷۴.....
	خبر ضرار ابن زمره به معاویه در باره عبادت و زهد امام علیه السلام
۴۳۳.....	۷۱. حکمت ۸۰.....
	خطاب به کسی که در ستایش او زیاده روی کرد
۴۳۴.....	۷۲. حکمت ۹۹.....
	دلیل پوشیدن لباس کهنه و وصله دار
۴۳۴.....	۷۳. حکمت ۱۰۶.....
	اولویت و رهبری اهل بیت
۴۳۴.....	۷۴. حکمت ۱۰۷.....
	صفات کلی هر امام
۴۳۴.....	۷۵. حکمت ۱۰۸.....
	در باره وفات سهل ابن حنیف
۴۳۵.....	۷۶. حکمت ۱۱۳.....
	دوست افراطی و دشمن کینه توز
۴۳۵.....	۷۷. حکمت ۱۱۶.....
	در باره قریش و تفاوت بنی امیه با بنی هاشم
۴۳۶.....	۷۸. حکمت ۱۸۱.....
	احتجاج علیه عمر و ابوبکر در باره خلافت

۴۳۸.....	۷۹. حکمت ۲۰۰.....
	برگشت امامت به اهل بیت بعد از انزوای آنها
۴۳۸.....	۸۰. حکمت ۲۶۴.....
	در باره اینکه امام علیه السلام در صدد اصلاحات و تغییرات اوضاع بود
۴۳۸.....	۸۱. حکمت ۴۶۱.....
	دوست افراطی و دشمن کینه توز

مقدمه چاپ دوم

بعد از انتشار چاپ اول این کتاب، عدسی از اهل فضل و تحقیق اظهار لطف کرده و این کتاب را مورد تشریح قرار دادند و عساکر را خطاب محترم و محترم نسبت به بعضی مطالب و تغییرات حتمی شده و طبق روش معمول حربه فنیها و که کامیاب هستند و به کوشش و فداکاری چندین نفری که در این باره کوشش کردند و در این باره اصلاحات و تغییرات حتمی نسبت به کتاب است که به نسبت زمان آنها نسبت به بعضی مطالب و تغییرات حتمی شده و تا این حد با تغییرات خودشان بیان کرده و ما اینکه کمالات و اصلاحات و تغییرات حتمی در این باره و گروهی نیستند و این کتاب بیان احکام اسلام به حله و غیره کتاب طریقه الوقی و حاشیه‌های بر آن و کتاب ذخیره العباد و احوال آن در این باره و اصلاحات و تغییرات حتمی در آن و از حدود پنجاه سال قبل به این طرف همه همان حکام در کتاب توضیح المسائل و حاشیه‌های بر آن با عبارات ساده‌تری بیان می‌شود. همان طور که لقب علمای این از تقابل اسلام به حاکمیت اسلام و شیخ الاسلام و آیت الله است که این کتاب منقول شد و مرحله بعد هر خدا می‌داند که چه خواهد شد و چه بسیار فرق که تصور می‌شاید احکام اسلام باید تا این حد تحت عنوان توضیح المسائل و با همین نام و ترجمه و القاب علمای اسلام نیز با همین احکام بیان گردد.

بعضی از دوستان که کتاب را در همان روزهای اول انتشار مطالعه کرده بودند به اینجانب گفتند که ممکن است بعضی اشخاص برخی از عبارات کتاب را حمل بر معنی دیگری کنند و لازم است برای این گونه افراد توضیحات اضافه شود. چون آنها با بعضی از این تغییرات آشنایی ندارند ولی صلاح در این دیدم که کتاب بدون توضیحات اضافی بچین شود و بعد از چند و کتابی که روشن شد بعضی از کلمات و دلیل حربه داشتند. در موارد لازم توضیحاتی اضافه گردد.

هدف این کتاب

مضافاً بر اینکه تحقیق و بررسی پیرامون کتاب عظیم نهج البلاغه که بعد از قرآن کریم بالاترین کتاب و سرچشمه معارف دینی است، در شناخت همه معارف اسلامی و ابعاد آن نقش تعیین کننده و سازنده دارد؛ این کتاب قدمی است در جهت نزدیک شدن به وحدت اسلامی، یعنی همان هدفی که کتاب الغدير مرحوم علامه امینی نیز در راستای آن تألیف شده است که از یک طرف در اثبات حدیث غدیر و ولایت حضرت امام علی^(ع) تحقیق و مطالب بسیار جمع آوری شده و از طرف دیگر بعد از ذکر نام خلفای پیش از او دعای (رضی الله) آمده است که منظور از این امر، هم اثبات حق امام^(ع) و هم تأکید بر این اصل که حفظ وحدت و یکپارچگی جامعه اسلامی و حفظ قدرت اسلام در برابر کفر، امری است خدشه ناپذیر و غیر قابل مناقشه. ما نیز در حد بضاعت در این کوشیده ایم مطالبی منعکس نماییم که هم از افکار افراطی اهل سنت درباره خلفا و صحابه بکاهد و از طرف دیگر از برخورد های افراطی شیعیان افراطی در توهین به آنها کاسته شود که در نتیجه هر دو فرقه یک گام به هم نزدیک شوند.

خلاصه برداشت های اینجانب از سخنان حضرت امام^(ع) در نهج البلاغه

با اینکه در چاپ دوم در موارد ضروری برای رفع سوء برداشت ها توضیحاتی اضافه گردید، اما لازم دیدم به خلاصه ای از برداشت های خود از سخنان امام^(ع) اشاره ای داشته باشم:

۱. با اینکه حضرت امام^(ع) برای به خلافت رسیدن سه خلیفه قبل از خود هیچ گونه اقدام ابتدایی انجام نداد، ولی با بیعت با ابوبکر هر چند که با تأخیر و پس از امتناع و تحت فشار انجام شد و با بیعت بدون اعتراض و تأخیر با عمر بن خطاب و بیعت با عثمان که پس از اعتراض انجام شد و با همکاری های دیگر او با آن خلفا بخصوص با قبول عضویت در شورای شش نفره و میانجی شدن بین عثمان و شورشیان بر او و نظر مشورتی دادن به عمر بن خطاب درباره شرکت خود در جنگ با روم و ایران، به خلافت آنها رسمیت بخشید، در حالی که خلافت را حق خود می دانست. این مطلب از ضروریات و واضحات تاریخ صدر اسلام است و لازمه این امر این است که امام^(ع) به خلافت آنها به عنوان یک حکومت عرفی رایج آن زمان مهر تأیید زده که این همان مشروعیت عرفی است. در ادبیات رایج عصر حاضر نیز مشروعیت به معنی قانونی بودن یعنی قانون عرفی است. بنابراین کلمه مشروعیت منحصر به مشروعیت دینی نیست و در نتیجه بین مشروعیت و عرفیت منافاتی وجود ندارد. علیهذا مشروعیت بخشیدن به خلافت خلفای سابق به این معنی نیست که خلافت آنها طبق یک دستور خاص دینی انجام شده است.

۲. برداشت ما از نص بر خلافت و انتصابی بودن امامت این است که حضرت رسول^(ص) اولاً با بیان فضائل امام^(ع) برای امامت او زمینه سازی نموده و ثانیاً مردم را ارشاد کرده که او^(ع) را برای این مقام انتخاب نمایند و ثالثاً او را به این مقام منصوب نموده است، ولی چون مردم عربستان به دلیل فرهنگ عشائری و تعصبات قبیله ای خاص خود که تحمل تمرکز رهبری کل عرب در یک خانواده را نداشته اند، آن حضرت به این امر اصرار نورزیده و آن را بر مردم تحمیل نکرده است و به همین دلیل حضرت امام^(ع) نیز برای اثبات حق خود در خلافت به نص حضرت رسول^(ص) و انتصاب خود به این مقام استناد نکرده و حتی از مطرح کردن آن هم صرف نظر کرده است.

این برداشت ما از نص بر امامت و انتصابی بودن آن منافاتی با این ندارد که این نص و انتصاب طبق دستوری خاص از سوی خداوند متعال انجام و آیاتی هم درباره آن نازل شده باشد.

۳. منظور از اینکه امامت در حد نبوت نیست این است که امامت حضرت امام^(ع) در بعد اجرایی و مأموریتی مانند نبوت نیست. چون در آن صورت امام^(ع) وظیفه داشت برای به دست گرفتن آن اقدام و اصرار نماید و به هیچ وجه کوتاه نیاید، ولو در راه رسیدن به آن کشته و شهید شود. همان طور که پیامبران این چنین بوده اند و لذا کنار آمدن با خلفا با هر مصلحتی با این امر سازگاری ندارد. ولی در عین حال ممکن است مقام علمی و معنوی امام^(ع) از بسیاری پیامبران بالاتر باشد، همان طور که خود پیامبران از لحاظ مقامات معنوی بعضی بر بعضی دیگر برتری دارند. خداوند متعال درباره پیامبران در آیه ۲۵۳ سوره بقره می فرماید: «تلك الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» و در آیه ۵۵ سوره اسراء می فرماید: «وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ» بلکه در مقام نبوت و نفس الامر هیچ بعدی ندارد که بعضی از اولیاء خدا که پیامبر نباشند هم، از لحاظ علمی و معنوی از بعضی پیامبران بالاتر باشند، ولی مأموریت خاصی برای تبلیغ نداشته باشند.

۴. اینها مطالبی است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم از سخنان امام^(ع) در نهج البلاغه برداشت می شود و ممکن است با مطالبی که در بعضی کتب دیگر مطرح شده، از بعضی جهات سازگار نباشد. ولی ما امامت و خلافت را براساس سخنان منسوب به حضرت امام^(ع) در نهج البلاغه مورد بررسی قرار داده ایم و درصدد این نبوده ایم که مطالب مطرح شده درباره امامت از کتب مختلف را جمع آوری کنیم و اسم کتاب را هم امامت و خلافت در نهج البلاغه بگذاریم.

بنابراین اعتراض به این برداشت ها باید به یکی از دو راه انجام گیرد: اعتراض به سند یا اعتراض به دلالت. مثل اینکه گفته شود فلان خطبه یا فلان نامه از حضرت امام^(ع) نیست